

# فصلنامه علمی- پژوهشی **رهیافت**

سال یازدهم، شماره ۳۸، بهار ۱۳۹۶  
صفحه ۸۹ تا ۱۱۲

## گفتمان هویت ملی اسلام‌گرایی در عصر پهلوی دوم و جمهوری اسلامی (بررسی اندیشه شهید مرتضی مطهری و آیت‌الله سید علی خامنه‌ای)

محمدباقر خرمشاد / دانشیار علوم سیاسی دانشگاه علامه طباطبایی (ره) mb.khorramshad@gmail.com

علیرضا کلانتر مهر جردی / دکترای جامعه‌شناسی سیاسی، دانشگاه علامه طباطبایی (ره) (نویسنده مسئول)

حسین صولتی / کارشناس ارشد علوم سیاسی، دانشگاه پیام نور تهران

### چکیده

واقعیت تاریخی نشان می‌دهد که هویت‌سازی ملی، فرآیندی همیشگی است و نباید تصور شود که وقتی ملتی شکل گرفت بخودی خود تداوم می‌یابد بلکه برعکس روح ملت‌بودگی در معرض فراز و فرود قرار دارد. از این‌رو فرآورده گفتمانی یک کشور می‌تواند بر فرآیند ملت‌سازی موثر افتد. لذا برای درک هویت ملی در عصر پهلوی دوم و جمهوری اسلامی، دو اندیشمند از یک گفتمان فکری سیاسی‌گزینش‌گردید تا تطور هویت ملی در گفتمان اسلام‌گرایی بررسی شود. بعبارتی این پژوهش با انتخاب اسلام‌گرایی بعنوان جریان موثر در تاریخ معاصر ایران به بررسی خوانش هویت ملی با کاربست روش تحلیل گفتمان پرداخته است. پژوهش حاضر برای رسیدن به دستاوردهای منسجم‌تر در ابتدا به استخراج الگوی گفتمان هویت ملی هر یک از عاملان فکری و سیاسی اقدام نمود و در انتها با تحلیل تطبیقی، ضمن ارائه الگو به سیر تطور عناصر هویت ملی در گفتمان اسلام‌گرایی پرداخته است.

**کلیدواژه:** گفتمان، هویت ملی، اسلام‌گرایی، ایدئولوژی.

تاریخ تأیید ۱۳۹۶/۲/۲۰

تاریخ دریافت ۱۳۹۶/۱/۲۷

## ۱- مقدمه

واقعیت تاریخی نشان می‌دهد که هویت‌سازی ملی فرآیندی ناتمام است و نباید تصور شود که وقتی ملتی شکل گرفت بخودی خود تداوم می‌یابد و به هیچ تلاش و سازوکار پشتیبانی کننده نیاز ندارد بلکه برعکس ملت و روح ملت‌بودگی در معرض چالش‌های جدی قرار دارد و حتی گاهی دولت ملت‌های جا افتاده نیز با معضلاتی روبه‌رو می‌شوند (جلایی‌پور، ۱۳۹۲: ۲۷۶). از اینرو فرآورده گفتمانی جریان‌های یک کشور می‌تواند بر فرآیند ملت‌سازی موثر افتد. یا کربس (M Jurgenson) می‌گوید: آدمی همواره دلبسته احساس تمایز بوده و قدیمی‌ترین گفتمان‌ها را شکل داده است (تاجیک، ۱۳۸۴: ۳۶). اسمیت (Smith) معتقد است که از میان تمام هویت‌های جمعی که امروزه افراد در آن سهیم‌اند هویت ملی، به عنوان بنیادی‌ترین سطح هویت است (احمدی، ۱۳۸۸: ۱۱۷). بحث درباره‌ی اینکه ما که هستیم و چه نسبتی با دیگران داریم یک مسأله بنیادی است.

از آنجایی که هویت‌ها، پدیده‌های فراتاریخی، عاری از فرهنگ خاص خودشان نیستند بلکه این سازه‌های اجتماعی با تکیه بر حافظه جمعی و با در نظر گرفتن ساختار عینی اجتماعی، ایجاد و تفسیر می‌شوند. جوامع در ایجاد و تقویت آن نقش مهمی ایفا می‌کنند (گل محمدی، ۱۳۸۰: ۱۷). در کنار دیدگاه کلاسیک، مجموعه‌ای از دیدگاه‌های نوین به مسأله هویت ایجاد شد که دارای ساحت هستی‌شناسانه، و بر نقش زبان و گفتمان در هویت تاکید می‌نمایند (مسکوب، ۱۳۷۹: ۱۶). گفتمان‌ها در واقع منظومه‌های معانی هستند که در آن نشانه‌ها با توجه به تمایزی که با یکدیگر دارند معنا می‌یابند و از مفروضاتش این است که جهان تنها از گذر مقوله‌بندی‌های گفتمانی ما درک می‌شود (منوچهری و همکاران، ۱۳۷۸: ۱۰۶).

در همین راستا گفتمان بعنوان یک روش در بازشناسی و تبیین بهتر معنای هویت در این پژوهش بکار گرفته شد. عبارتی دغدغه اصلی، واکاوی گفتمان اسلام‌گرای ایران بعد و قبل انقلاب پیرامون هویت ملی به کمک بررسی اندیشه دو عامل فکری-سیاسی آن در دوران معاصر می‌باشد؛ لذا تحولات سیاسی اجتماعی کمتر مدنظر است. با عنایت به اهمیت روزافزون دین در حوزه سیاسی در پایان سده بیستم و ظهور «اسلام‌سیاسی» که به تعبیر کاپاکسیا (Giovanni Capoccia، ۲۰۰۰: ۱۰) ضدسیستم قلمداد می‌شود پژوهشگران این گفتمان را برای واکاوی معنای هویت ملی برگزیده‌اند که دنیا را به دو اردوگاه کاملاً مشخص تقسیم (اسپوزیتو و اوول، ۲۰۰۳) نموده است.

## ۲- چارچوب مفهومی

### الف) پیشینه خوانش هویت

پیش از تبیین گفتمان اسلام‌گرا در خوانش هویت ملی، لازم است نگاهی گذرا به روش‌های مورد استفاده برای فهم هویت ملی توسط سایر پژوهشگران بیاندازیم: حسین محمدپرست (۱۳۸۹) در رساله خود براساس دیدگاه‌های مارکس، مانهایم (Karl Mannheim)، پارسونز (Talcott Parsons)، کاستلز، هابرماس (Jürgen Habermas) و از کنش متقابل نمادی درباره هویت به عنوان چارچوب نظری پژوهش سخن گفته است. حاجیان (۱۳۷۹) در مقاله‌ای، هویت ملی را دارای هفت بُعد اجتماعی، تاریخی، جغرافیایی، سیاسی، مذهبی، فرهنگی و زبانی دانسته و از فراتحلیل برای بررسی این ابعاد بدون در نظر گرفتن جریان‌های سیاسی سخن گفته است. رضا داوری (۱۳۶۹) در کتاب‌های «ناسیونالیسم و حاکمیت ملی» و «استقلال؛ ناسیونالیسم و انقلاب»، متأثر از هایدگر به مسأله زبان و هویت می‌پردازد. داریوش شایگان (۱۳۹۳) در کتاب «افسون زدگی جدید»، متأثر از فلاسفه‌ای چون گروسه (René Grousset) و کربن (Henry Corbin) به آمیختگی سنت ایرانی و اسلامی و هماهنگی متافیزیکی آن‌ها باور دارد. ابوالحسنی (۱۳۸۶) در مقاله‌ای، ضمن تقسیم هویت به پنج نوع خانوادگی، قومی، ملی، دینی و فراملی، جهانی، سعی می‌نماید هویت ملی را در ابعاد تاریخی، اجتماعی، جغرافیایی، فرهنگی و سیاسی بررسی کند. هیرمیداس باوند (۱۳۷۷) در مقاله «چالش‌های برون‌مرزی و هویت ایرانی در طول تاریخ» بر این باور است که هویت بعنوان یک پدیده تغییرپذیر در طول تاریخ برای تحقق اهداف اجتماعی، سیاسی و فرهنگی جامعه کارساز خواهد بود. حال بانظر به پژوهش‌های مورد اشاره، پژوهشگران با گزینش گفتمان بمتابه یک روش، به بررسی خوانش هویت ملی از منظر دو متفکر اسلام‌گرا در دو مقطع زمانی پهلوی دوم و جمهوری اسلامی پرداخته‌اند.

### ب) هویت ملی

واژه هویت از کلمه Identitas «مشابه و یکسان» می‌آید. یعنی تفاوت‌های اساسی که یک شخص را از همه کسان دیگر، به واسطه هویت «خودش» متمایز می‌کند، اشاره دارد (فکوهی، ۱۳۸۰: ۶۳-۶۴). در سنت جامعه‌شناسی نظریه‌های هویت در ابتدا با جیمز (William James) و مید (George Herbert Mead) شروع و بعدها از طریق گافمن (Erving Goffman)، برگر (Peter Ludwig Berger) استقرار یافت. اما هویت ملی بعنوان یکی از هویت‌ها، اصلی‌ترین سنتز و حلقه ارتباطی بین هویت‌های خاص محلی و

هویت‌های عام فراملی است (حاجیانی، ۱۳۷۹: ۱۹۷) که مهم‌ترین ویژگی هر ملت، تاریخ و سرزمین مشترک محسوب می‌گردد (مهیمنی، ۱۳۷۹: ۳۰۶). عبارتی هویت ملی فرآیند پاسخگویی آگاهانه یک ملت به پرسش‌هایی درباره خود، گذشته، زمان، تعلق، خاستگاه اصلی و دائمی، حوزه تمدنی، جایگاه سیاسی و اقتصادی و فرهنگی و ارزش‌های ملهم از هویت تاریخی یک ملت است (هرمیداس باوند، ۱۳۷۷).

### ج) اسلام‌گرایی

بیش از دو قرن است که نظریه پردازان سکولاریسم معتقدند که دین در حال افول است اما روند رخدادهای جهان امروز خلاف آن را ثابت می‌کند و اگرچه مدرنیزاسیون تاثیرات عرفی سازی دارد، اما در دل خود منجر به تقویت دین می‌شود (اسپوزیتو و اوول، ۲۰۰۳)؛ جریان اسلام‌گرا در فرآیند مدرنیزاسیون، عرفی کردن دین و جدایی دین از حوزه سیاست، به مثابه جریان بومی و هویتی متولد شد. به تعبیر روحانی (۱۳۸۱: ۱۱۶) جهاد مسلحانه در آیین اسلام و مکتب تشیع، جایگاه ویژه‌ای دارد که چنانچه با قول لاین و با زبان نرم نتوانند طاغوتیان را به راه آورند باید به جهاد و جانبازی برخیزند و راه عاشورای حسینی همیشه باز است؛ این باورهای دینی الهام بخش نیروهای مسلمان در گرایش آنان به جنبش مسلحانه است. بعد از دهه ۴۰ و با ظهور امام خمینی (ره) جریان موصوف شکل جدی تری به خود گرفت و با جذب روشنفکران بومی به اوج گفتمان‌سازی رسید. در نهایت با در اختیار گرفتن رهبری انقلاب ۱۳۵۷ و ساماندهی جامعه، بقیه گفتمان‌ها را به حاشیه برده و اسلام‌سیاسی را در قامتی جهانشمول نظم داد.

### د) الگوی تحقیق

با مرور روش‌های تبیین هویت ملی در نگاه پژوهشگران ایرانی و با عنایت به اینکه حاجیانی هویت ملی را در هفت بعد و ابوالحسنی هویت ملی را در پنج وجه و هرمیداس باوند هویت ملی را در سه بعد تقسیم‌بندی کرده‌اند این پژوهش نیز با برگرفتن ابعاد سه گانه فرهنگ، سیاست و اجتماع بعنوان وجوه کلان و کارساز به تبیین هویت ملی (شکل ۱) خواهد پرداخت.



شکل (۱) الگوی تعین هویت ملی پژوهش

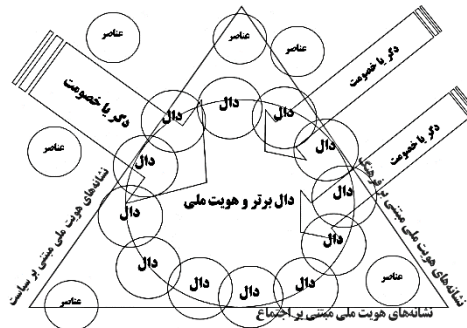
### ۳- چارچوب روشی

#### الف) گفتمان

واژه گفتمان با سابقه هفتصدساله، از واژه فرانسوی dis-coor و لاتین discurs-us به گفتگو، محاوره و از واژه discurre/discursum به معنی تعلل ورزیدن گرفته شده است (مک دانل، ۱۳۸۰: ۱۰). معادل‌های فارسی گفتمان عبارتند از: گفتار، سخن، بحث، مقال (عضدانلو، ۱۳۸۰: ۱۴). فرهنگ لانگمن، گفتمان را به مثابه واحدهای زبانی بالاتر در نظر می‌گیرد که هم محتوا و هم زمینه و بافت اجتماعی-زبانی مدنظر باشد. هریس (Zellig Harris) بعنوان اولین شخصی که واژه گفتمان را وارد حوزه زبان‌شناسی کرد، آن را به همین معنا گرفت (مک دانل، ۱۳۸۰: ۱۳). گفتمان‌ها در واقع منظومه‌های معانی هستند که در آن نشانه‌ها با توجه به تمایزی که با یکدیگر دارند معنا می‌یابند. لاکلا و موف معتقدند هر عمل و پدیده‌ای برای معنا دار شدن باید در درون نظام گفتمانی قرار گیرد. یک تکه سنگ، بسته به اینکه در کدام زمینه اجتماعی قرار می‌گیرد، معانی متفاوتی می‌یابد؛ در مجموع گفتمان جهان اجتماعی را می‌سازد (خالق‌پناه و حبیبی، ۱۳۹۳: ۳۰۸).

#### ب) گفتمان به مثابه روش

با عنایت به تعریف این پژوهش از هویت و هویت ملی، که آن را یک مفهوم سیال و در حال صیوروت دانسته که امروز شکل می‌گیرد و روزهای بعد در رابطه با نظام فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و... تغییر و تحول می‌پذیرد در نتیجه لازم است با انتخاب یک روش به تغییرات و بازتولید این پدیده پرداخت، لذا این پژوهش به کمک تحلیل گفتمان-لاکلا و موف - به بررسی اندیشه سوژه‌های منتخب اقدام نموده و در انتها به سراغ تحلیل تطبیقی آنان می‌رود که در پژوهش‌های علوم اجتماعی نقش و جایگاه محوری دارد.



شکل (۲) الگوی تبیین گفتمانی هویت ملی

نظریه گفتمان برای تحلیل پدیده‌های سیاسی-اجتماعی از مفاهیمی نظیر مفصل‌بندی، هژمونی، دال مرکزی، زنجیره هم‌ارزی، ازجاشدگی، غیریت و عناصر بهره می‌گیرد و با توجه به ظرفیت‌های نظریه گفتمانی لاکلا و موف، پژوهش با بهره‌گیری از مولفه‌های زبان و زمان، به بستر واقعیت‌های اجتماعی بطور هم‌زمان خواهد پرداخت. شکل (۲) بیانگر روش تحلیل گفتمان لاکلا و موف برای تبیین هویت ملی در اندیشه دو متفکر ایران معاصر می‌باشد.

#### ۴- گفتمان اسلام‌گرا و هویت ملی

گفتمان اسلام‌گرا از دلایل هویتی ایرانیان، در فرآیند مدرنیزاسیون و جدایی دین از حوزه حکومت متولد شد. هرچند بین اسلام‌گرایی و بنیادگرایی برگرفته از حرکت اعتراضی مسیحیان پروتستان، تفاوت‌هایی بنظر می‌رسد اما از لحاظ پذیرش دال مرکزی «تحول بر اساس دین» دیوار به دیوار هم فرض شده‌اند. اسلام‌گرایان بر خلاف بنیادگرایان و سنت‌گرایان، مدرنیته را بطور کامل نفی نمی‌کنند بلکه می‌کوشند تا اسلام را با جامعه مدرن سازگار نشان دهند. البته جنبه‌های سکولار تمدن غرب را نفی و راه‌هایی از آن را توسل به ارزش‌های دینی و بازگشت به اسلام می‌دانند (حسینی زاده، ۱۳۸۶: ۱۸).

عاملان سیاسی نقش راهبردی در پیش‌برندگی، موفقیت و یا شکست یک گفتمان دارند؛ در همین راستا نویسندگان این مقاله، به‌گزینش دو اندیشمند در گفتمان اسلام‌گرا برای فهم هویت ملی در سه بعد اجتماع، سیاست و فرهنگ، همت گماشته‌اند. مرتضی مطهری و آیت‌الله خامنه‌ای بعنوان دو نماد این جریان گفتمان بر اساس میراث اندیشگی سیدقطب پیرامون بازگشتن به اصل و ذات دین و حاکمیت خداوند به جای حاکمیت طاغوت به گسترش این اندیشه در تمام شئون زندگی تأکید داشته‌اند (سیدقطب، ۱۳۷۸: ۷۴). این گفتمان در صدد نفی تجدد نیست، بلکه به جای نفی مدرنیته غربی می‌کوشد تا

سازواره‌ای از مدرنیته و باورهای اسلامی ارائه دهد و نوعی مدرنیته بومی را پیشنهاد کند (حسینی زاده، ۱۳۸۶: ۴۵).

### ۵- مرتضی مطهری؛ نماد گفتمان اسلام‌گرا قبل انقلاب اسلامی

مرتضی مطهری، متفکر، نویسنده، استاد کلام و تفسیر قرآن، در میانه زمستان ۱۲۹۸ در فریمان مشهد به دنیا آمد (زندگینامه، ۱۳۸۷). پس از عزیمت به قم در سال ۱۳۱۵ سعی می‌کند به مطالعه و مباحثه بیشتری پیرامون فقه، اصول، منطق و بررسی اندیشه‌ی فیلسوفان بپردازد (زندگینامه تفضیلی، ۱۳۹۱). در سال ۱۳۲۰ برای تعمق و درک بیشتر نهج‌البلغه در درس علی‌آقا شیرازی در اصفهان حضور یافت. در سال ۱۳۳۲ و بعد از مهاجرت به تهران، شرحی بر کتاب «اصول فلسفه و روش رئالیسم» علامه طباطبایی نوشت و از سال ۱۳۳۴ به تدریس در دانشکده الهیات و معارف اسلامی دانشگاه تهران مشغول شد. مطهری در این سالها علاوه بر انتشار کتاب با نشریات «مکتب تشیع و مکتب اسلام» و «مکتب اسلام»، نیز همکاری می‌کند (زندگینامه تفضیلی، ۱۳۹۱).

آغاز زندگی سیاسی مطهری را می‌توان آشنایی با جریان فدائیان اسلام دانست و اولین دستگیری ایشان بمدت چهل روز مصادف با قیام ۱۵ خرداد ۱۳۴۲ است. به غیر از فدائیان، مؤتلفه اسلامی نیز توسط مطهری تغذیه فکری می‌شد (واثقی، ۱۳۹۱: ۱۵۵-۱۵۶). بعد از تأسیس حسینیه ارشاد در سال ۱۳۴۶ به علت اختلافات بوجود آمده از این مؤسسه کناره‌گیری می‌کند (ستوده و سیدناصری، ۱۳۸۸: ۲۵۴) و ادامه فعالیت‌های سیاسی خود را در مسجد جوادالائمه پی می‌گیرد تا اینکه مجدداً در سال ۱۳۵۱ بمدت دو روز دستگیر و تا تیر ۱۳۵۴ ممنوع‌المنبر می‌شود (زندگینامه تفضیلی، ۱۳۹۱). لذا بهترین گزینه بعد از این ماجرا، پیوستن به امام خمینی (ره) در نجف بود.

در آستانه انقلاب اسلامی، امام خمینی (ره) مسئولیت تشکیل شورای انقلاب را بر عهده ایشان می‌گذارد. در نهایت فعالیت‌های مطهری در راستای گسترش و حفظ گفتمان اصیل اسلام‌گرایی موجب خشم گفتمان‌های رقیب و شهادت وی در اردیبهشت ۱۳۵۸ می‌گردد.

### ۱-۵. ابعاد و نشانه‌های هویت ملی در اندیشه مطهری

برای شناخت هویت ملی بعنوان یکی از موالید عصر جدید نزد مطهری، بی‌گمان می‌بایست دال‌ها و نشانه‌های فکری وی را واکاوی نمود. گفتمان مطهری از پایگاه اسلام‌سیاسی منجر گردید که ما در پی یافتن نشانه‌های «هویت ملی» او در قامت نماینده‌ای بارز در این جریان باشیم.

### الف) فرهنگ، نشانه‌ها و هویت ملی

مطهری در زمینه فرهنگ، مقاله و یا کتابی ننگاشته است، اما با این حال، در لابه‌لای آثارش، مطالبی به چشم می‌خورد که وی را می‌توان یک متفکر فرهنگی، و حتی یک نظریه‌پرداز فرهنگی دانست (جمشیدی، ۱۳۹۳). مطهری بر این باور است که فرهنگ جدا از ایمان منجر به وحشی‌گری و توحش می‌شود (مطهری ۱۳۸۹: ۱۷). ایشان پیرامون حفظ سنت‌های اسلامی مثل نماز جمعه از روشنفکران عصر می‌پرسد چگونه برای حفظ سنت‌های قدیمی ایران باستان مثل رنگ کردن تخم مرغ در نوروز و یا چهارشنبه سوری تلاش می‌کنند اما تعطیلی جمعه را بر نمی‌تابند و خواهان پیروی از اروپا هستند (مطهری، ۱۳۷۷: ۸۳-۹۵)؛ آنچه از این سطور قابل درک است دغدغه مطهری پیرامون حفظ «استقلال فرهنگ اسلامی» است؛ لذا حاضر نیست حتی از عناصر و دال گفتمانی کمونیست‌ها برای انتقال معانی و مفاهیم اسلامی‌اش بهره بگیرد بدین ترتیب درباره دغدغه کمونیست‌ها و انقلاب دائمی، می‌نویسد در دنیای مادی امکان انقلاب دائم فرهنگی ممکن نیست ولی آنچه بصورت یک تکاپوی دائم امکان تحقق دارد، فاسبقوا الخیرات است (مطهری، ۱۳۸۰: ۲۲۲).

وی برای هر جامعه روحی قائل بود و روح جامعه را فرهنگ آن جامعه می‌دانست؛ لذا معتقد است که فرهنگ عامل مهمی برای حرکت در تمام ابعاد جامعه است (مطهری، ۱۳۸۵ الف: ۷۱)؛ به همین منظور بر عنصر «استقلال فرهنگی» در برابر «استعمار فرهنگی» بسیار تأکید می‌ورزد (مطهری، ۱۳۸۵ الف: ۹۶) و بر آن است که بی‌ایمانی یک ملت به شخصیت و هویت خودش، یک نیرنگ استعماری است (مطهری، ۱۳۸۵ الف: ۱۳۷). بدین ترتیب مطهری حوزه گفتمان فرهنگی «خود» را با تبیین «دگر» بازسازی می‌کند تا از «دگرشيفتگی» جهان اسلام ممانعت بعمل آورد.

دین بعنوان یکی از عناصر مهم هویت ملی در حوزه گفتمانی مطهری جایگاه ویژه‌ای دارد لذا وی در این باره می‌نویسد: «ملت ایران آن روز که گفت جمهوری اسلامی، خواست مهر خودش را یعنی مهر فرهنگ خودش را به آن بزند، و در حقیقت می‌دانیم که هویت یک ملت آن فرهنگی است که در جانش ریشه دوانیده است. هویت ملی این مردم اسلام است» (مطهری، ۱۳۸۵ الف: ۲۴۶). مطهری ضمن باور به جامعیت دین اسلام در همه ابعاد، بر آن است که اسلام دین اجتماعی است (مطهری، ۱۳۸۷ الف: ۹۰-۸۵) و نمی‌شود انسان



عبادت اسلام را بگیرد ولی اخلاق و مسائل اجتماعی اش را رها کند (مطهری، ۱۳۸۷ الف: ۸۰).

بریدگان از اسلام اگرچه در داخل این ملت و تحت حمایت این ملتند اما در حقیقت از این ملت بریده‌اند، زیرا از فرهنگ این ملت و از جان این ملت و از روح این ملت خود را جدا کرده‌اند (مطهری، ۱۳۸۷ الف: ۸۰). بنظر می‌رسد وقتی سخن از هویت می‌رود برای مطهری یک ذات ثابت و حقیقت پایدار متصور می‌شود؛ لذا هویت را «حقیقت ایدئولوژیک اسلامی» نهفته در انسان می‌داند که وی را از حیوان متمایز می‌کند (مطهری، ۱۳۸۵ ب: ۵۶). مطهری به مثابه یک مصلح، باور دارد که مجریان کنونی دین یعنی روحانیت، از نشاط لازم برخوردار نیستند؛ اما ضمن تکیه بر اهمیت این نهاد بر آن است که باید با آفت‌هایش مبارزه کرد (مطهری، ۱۳۸۵ الف: ۱۹۴)؛ تا هویت اصلی و اسلامی ایران پویا بماند. به عقیده مطهری عامل اساسی هویت‌یابی ایرانیان گرایش به اسلام و تشیع است، یعنی اسلام بعنوان یک دین رهایی‌بخش با خصوصیات روحی و اخلاقی ایرانیان بسیار متناسب بوده و سازگاری دارد (قربانی، ۱۳۸۳: ۸۳).

زبان و ادبیات یکی از وجوه مهم هویت ملی محسوب می‌شود؛ به‌رغم اینکه برای تقویت فرهنگ اسلامی به روحانیت پیشنهاد شناختن زبان عربی بعنوان زبان اول و زبان فارسی بعنوان زبان دوم را می‌دهد (مطهری، ۱۳۸۵ الف: ۲۰۴)؛ اما با مثالی از مرحوم مدرس بهنگام تصویب لایحه زبان فارسی در مجلس بر آن است که نباید در گزینش زبان فارسی راه افراط در پیش گرفت (مطهری، ۱۳۸۷ ب: ۱۹۵)؛ چراکه بزرگان ادبی ایران با این زبان در جهان شناخته می‌شوند و عده‌ای نمی‌توانند از اینها بپسند، یعنی بریدنی نیست و چنان با اسلام گره خورده‌اند که این گره بازشدنی نیست (مطهری، ۱۳۷۸: ۲۱۰؛ مطهری، ۱۳۸۱: ۶۰). با مرور اندیشه ایشان می‌توان پاره‌ای از عناصر هویتی گفتمان اسلام‌گرا در باب موضوع هویت ملی را استخراج نمود.

### ب) سیاست، نشانه‌ها و هویت ملی

نگاه به حکومت و درک دال‌هایی مکمل حکومت مثل آزادی، سکولاریسم، حزب برای فهم هویت ملی در اندیشه مطهری لازم بنظر می‌رسد؛ در این میان ایشان پیرامون ولایت فقیه بعنوان یکی از ثمره‌های انقلاب اسلامی می‌نویسد: «ولایت فقیه این نبوده که فقها حکومت کنند و دولت را به دست گیرند، بلکه در طول اعصار تصور مردم از ولایت فقیه این بوده است که به موجب این که مردم مسلمانند و وابسته به مکتب اسلامند، صلاحیت هر

حاکمی از نظر این که قابلیت مجری بودن قوانین ملی اسلامی را داشته باشد باید مورد تأیید و تصویب فقیه قرار گیرد. لذا امام در فرمان خود به نخست وزیر دولت موقت می نویسد: به موجب حق شرعی (ولایت فقیه) و به موجب رأی اعتمادی که از طرف اکثریت قاطع ملت نسبت به من ابراز شده است، من رئیس دولت تعیین می کنم» (مطهری، ۱۳۸۵ الف: ۲۴۸)؛ در ادامه ایشان ضمن تشریح ولایت فقیه می فرماید: «ولایت فقیه ولایت ایدئولوژیک است و اساساً خود فقیه را مردم انتخاب می کنند. این خودش عین دموکراسی است. اگر ولایت فقیه یک امر انتصابی می بود، مثلاً هر فقیهی به وسیله فقیه قبل از خودش به طور خاص تعیین شده بود ممکن بود بگوییم که این بر خلاف اصول دموکراسی و نظیر سلطنت موروثی است. ولی، فقیه را بر خلاف سلطان و شاه خود مردم انتخاب می کنند، رهبر را خود مردم انتخاب کردند و خود مردم انتخاب می کنند» (مطهری، ۱۳۸۵ الف: ۲۵۷).

شناخت حدود حکومت، موجب درک بیشتری از عناصر هویت ملی در گفتمان مطهری می گردد ایشان با درک اسلام بعنوان برنامه زندگی، پیرامون علمانیت یا سکولاریسم می نویسد: «اسلام غیر از مسیحیت است... اسلام آخرت را در متن دنیا و دنیا را در متن آخرت قرار داده است» (مطهری، ۱۳۸۷ الف: ۹۷)؛ و با صراحت بر آن است که: «ای کسی که از سیاست کشورت دوری کرده‌ای تو از دین دوری کرده‌ای» (مطهری، ۱۳۸۵ الف: ۸۸). وی آزادی اجتماعی را یکی از مقاصد انبیاء دانسته و می نویسد انبیاء با انواع بندگی‌ها و بردگی‌های اجتماعی و سلب آزادی‌هایی که در اجتماع هست مبارزه کردند. ولی آزادی اجتماعی بدون آزادی معنوی میسر و عملی نیست. این آزادی همان است که در زبان دین «تزکیه نفس» و «تقوا» گفته می شود (مطهری، ۱۳۸۷ الف: ۱۶-۱۷)؛ بدین ترتیب با تبیین دینی به دال آزادی می پردازد.

در همین راستا تعبیر مطهری از عنصر «انقلاب» هم مبتنی بر نگاهی معنوی است و غیر از آن را «بلوا» می نامد (مطهری، ۱۳۸۷ الف: ۱۴۵). در مورد لزوم کارکرد حزب و آزادی بیان در حکومت اسلامی می نویسد: «در حکومت اسلامی احزاب آزادند. هر حزبی اگر عقیده غیراسلامی هم دارد در ابراز عقیده خودش آزاد است، فکرش آزاد است، هر چه دلش می خواهد بگوید. ما فقط اجازه توطئه‌گری و فریبکاری نمی دهیم. در حدی که فکر و عقیده خودشان را صریحاً می گویند و با منطق ما در حال جنگ هستند ما آنها را می پذیریم اما اگر بخواهند در زیر لوای اسلام یا مظاهر اسلام افکار و عقاید خودشان را بگویند ما حق داریم از اسلام خودمان دفاع کنیم که اسلام این را نمی گوید» (مطهری، ۱۳۸۵ الف: ۴۶).

### ج) اجتماع، نشانه‌ها و هویت ملی

استاد مطهری باور دارد اسلام دینی است که بیش از هر چیزی به مسائل اجتماعی اهمیت می‌دهد (مطهری، ۱۳۸۷ الف: ۷۸). هویت ملی بعنوان یکی از مسائل اجتماعی جامعه امروز در بخش اجتماع با دال‌های تاریخ، ملت، وطن و با دگرهایش شناخته می‌شود؛ لذا وی پیرامون ضرورت شناخت «خود» می‌نویسد: «خودمان را کشف کنیم، چگونه کشف کنیم؟ یکی اینکه با تاریخ خودمان آشنا شویم دیگر این که با ایدئولوژی خودمان اسلام آشنا شویم» (مطهری، ۱۳۸۵ الف: ۱۴۲). وی تاریخ را سال‌هایی که گذشت معنا نمی‌کند بلکه بیشتر میراث فرهنگی روح تاریخی را مدنظر دارد و می‌نویسد: «در جشن ۲۵۰۰ ساله چقدر کوشش می‌کردند روی مسئله استمرار فرهنگی تکیه کنند که ما در ۲۵۰۰ سال پیش یک فرهنگ را آغاز کردیم و آن فرهنگ با روح خاصی که داشته است ادامه داشته تا به زمان ما رسیده است؛ بوعلی سینا، ابوریحان بیرونی، حافظ، مولوی و خواجه نصیرالدین طوسی زاده آن فرهنگ‌اند، همان روح است که تا زمان ما استمرار پیدا کرده؛ در صورتی که این یک دروغ محض است. تمدنی که در دوره اسلام شروع شد با یک روح مخصوص شروع شد. این تمدن مثل هر تمدن دیگری از تمدن‌های دیگر جهان استفاده کرد اما به صورت تغذیه نه به صورت التقاط، مثل هر جاندار جوانی که پیدا می‌شود و از محیط خودش تغذیه می‌کند، ولی معنی تغذیه این است که او را هضم می‌برد و به شکل خودش در می‌آورد و روح خودش را به او می‌دهد» (مطهری، ۱۳۸۵ الف: ۱۴۳)؛ مطهری باور دارد اسلام استعداد و نبوغ ایرانیان را هم به خودشان نشان داد و هم به جهانیان و به تعبیر دیگر ایرانی به وسیله اسلام خود را کشف کرد و سپس آن را به جهانیان شناسانید (مطهری، ۱۳۵۷: ۳۱۴). باید توجه داشت که استاد مطهری، در بیان علت گرایش ایرانیان به تشیع، تمامی عوامل ناسیونالیستی را رد می‌کند (قربانی، ۱۳۸۳: ۸۴).

مطهری بر آن است که «ما»ی قبیله، قوم، وطن برای انسان کافی نیست چرا که در این صورت «خودملی» در آنها رشد یافته و تا حد زیادی نسبت به هموطنان خود خائن نیست؛ دروغ نمی‌گوید و استبداد نمی‌ورزد، ولی پا را که از دایره هموطن آن طرف تر می‌گذارد، ظالم و ستمگر می‌شوند؛ لذا بر آن است که انسان دوستی بر وطن پرستی ارجح است. در ادامه پیرامون احساس خودی در این حصار «ما»، می‌گوید اگر قرین منشأ اخلاقی نباشد بیهوده است و حتی احسان به کافر اگر موجب تضعیف مسلمانان نشود مانعی ندارد (مطهری، ۱۳۸۲: ۱۶۹-۱۷۲). بدین ترتیب آنچه از خودی و هویت در این بخش نزد

مطهری فهم می‌شود هم راستایی و هم عقیده بودن در چارچوب مذهب اسلام است. عبارتی در نظر مطهری، هویت فردی انسان، بعنوان موجودی اجتماعی و متمایز از موجودات دیگر، در قابلیت‌ها، آگاهی‌ها، و کمالات انسان نهفته است. یعنی با توجه به عقل، اختیار و علم و در نهایت تلاش انسان برای وصول به حق تعالی می‌توان برای انسان، هویت مطلوب فردی تعریف کرد (قربانی، ۱۳۸۳: ۷۶). در نظر ایشان ملیت با عناصر جغرافیا، زبان، قوم و... اصالت دائمی ندارد و دال برتر ملیت «درد مشترک در انسان‌ها» می‌باشد که آن درد ظلم و بی‌عدالتی و طلب عدالت و آزادی معنوی است (قربانی، ۱۳۸۳: ۸۵).

## ۲-۵. الگوی هویت ملی مطهری در حوزه گفتمانگی اسلام‌گرا

«دگر» و «خودشناسی» مطهری به اسلام بر می‌گردد. اصلی که همه عناصر با توجه به آن مفصل‌بندی گردید و برعکس بسیاری از روشنفکران دینی به پیوند هویت ایرانی-اسلامی معتقد نیست. بلکه وی اصالت را برای اسلام معتقد است و بقیه دال‌ها را ذیل هویت اسلامی معنا می‌بخشد. لاکلا و موف در روابط خصمانه گروه‌های رقیب یا دشمن از دو مکانیسم برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی استفاده می‌کنند. روشی که مطهری با طرح اسلامی و غیراسلامی به گفتمان‌سازی پرداخت. وی با پرداختن به معنویت و عدالت به عنوان پایه تکامل انسان، بی‌عدالتی را دگر هویتی انسان بر می‌شمارد (مطهری، ۱۳۸۵الف: ۱۸۰).

مطهری ضمن پرداختن به مسائل تاریخی از غیریت‌سازی با «استعمار» می‌نویسد: «این نیرنگ‌هایی که استعمارچی‌های دنیا می‌زنند و کارهایی که می‌کنند اگر لای اولش را باز کنی... آن نیت حقیقی را در آن لای صدم می‌فهمید. حذر از این‌ها خیلی مشکل است» (مطهری، ۱۳۷۷: ۱۳۳)؛ لذا ضمن دعوت به بصیرت، از لزوم حفظ وحدت امت اسلامی می‌گوید (مطهری، ۱۳۸۵: ۲۰۳).

جدول (۱) دال‌ها و دگرهای گفتمان هویت ملی مطهری		
دال برتر: اسلام	زنجیرهم ارزی: اسلام‌سیاسی	مفصل‌بندی: عدالت
بخش	دال و عناصر شناور	دگرهای گفتمانگی
فرهنگی	فرهنگ ایمانی-اسلامی	فرهنگ توحش
فرهنگی	اسلام ایدئولوژیک	اسلام غیرایدئولوژیک
فرهنگی	استقلال فرهنگی اسلام	استعمار فرهنگی
فرهنگی	اسلام به مثابه هویت ایرانیان	منابع هویتی غیردینی
فرهنگی	زبان به مثابه میراث فرهنگی	زبان در ره افراط

اجتماعی	شناخت ایدئولوژی اسلامی	عدم شناخت ایدئولوژی اسلامی
اجتماعی	تمدن به مثابه روح فرهنگی	تمدن به النقاط
اجتماعی	امت واحد اسلامی	وطن پرستی
اجتماعی	پیوند فکری	پیوند خون و خاک
سیاسی	حکومت اسلامی (ولایت فقیه)	جمهوری دموکراتیک اسلامی
سیاسی	انقلاب روحی	بلوا
سیاسی	اسلام در متن دنیا و اجتماع	علمانیت یا سکولاریسم
سیاسی	آزادی به مثابه تقوا	آزادی غیرمعنوی
سیاسی	احزاب آزاد فکری	احزاب آزاد التقاطی

متناسب با دیدگاه لا کلا و موف بیانگر آن است که در گفتمان اسلام گرای مطهری، فهم «اسلامی» دال مرکزی وی برای درک هویت ملی است؛ مضمون سیاسی و اسلام خواهانه در همه عرصه‌ها با مفهوم هویت ملی بعنوان زنجیره هم‌ارزی بهره‌برداری شده است به نحوی که هیچ عنصری در برابر حقیقت اسلام از اندکی اصالت برخوردار نیست.

مفهوم هویت ملی نزد مطهری نه تنها به اسلام آمیخته می‌شود بلکه هویت ملی وی بر هویت دینی اش منطبق است. ولایت فقیه و حکومت اسلامی برآیند عناصر تبیین شده در کتاب اسلام و مقتضیات زمان می‌باشد که بعدها عناصر این گفتمان گستره وسیع‌تری یافت. همانطور که لا کلا و موف آموخته، تغییر در گفتمان‌ها سبب تغییر در کل نظام اجتماعی می‌شود و انقلاب اسلامی بعنوان یک «ازجاشدگی» موجب نزاع گفتمانی، تغییر و بازتولید واقعیت اجتماعی‌ای منجر گردید که بعد از شهادت وی نیز ادامه یافت؛ ارتباط گفتمان با واقعیت‌های بعد انقلاب ارتباطی دیالکتیکی بوده و الزامات و اقتضائات فرهنگی، سیاسی و اجتماعی موجب مطالبه نظام معنایی خاصی را نموده است. روایت مطهری از عنصر حکومت در هویت ملی این است که از خودمان فرهنگ داریم، ما هیچ احتیاجی نداریم که از غرب الگو بگیریم. «دو دلیل بر رد جمهوری دموکراتیک اسلامی، شما دیدید که در نامگذاری جمهوری اسلامی عده‌ای از به اصطلاح روشنفکران ما بدون آن که کوچکترین سوء نیتی داشته باشند اصرار داشتند که بگوییم «جمهوری دموکراتیک اسلامی» ولی ایشان زیر بار این کلمه نرفت، چرا؟ آیا با دموکراسی مخالف بود؟ نه. چند دلیل داشت. یک دلیلش این بود که دموکراسی در مفهوم غربی با دموکراسی در مفهوم اسلامی تفاوت دارد. دموکراسی در مفهوم غربی در حدود آزادی‌ها و رهایی‌های حیوانی خلاصه می‌شود» (مطهری، ۱۳۸۵ الف: ۱۳۸) و یا در مورد انقلاب اسلامی ایران می‌نویسد نه تنها قیام علیه

استبداد یا استعمار سیاسی نبود؛ بلکه قیام علیه فرهنگ غرب بود، بازگشت به هویت اسلامی و خود واقعی مردم بود (مطهری، ۱۳۸۵ الف: ۲۴۷).

### ۶- آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای؛ نماد گفتمان اسلام‌گرا بعد انقلاب اسلامی

سیدعلی حسینی خامنه‌ای در ۲۹ فروردین ماه سال ۱۳۱۸ مقارن با سال‌های جنگ جهانی دوم، در مشهد چشم به جهان گشود. پس از فراگیری مقدمات حوزه، عازم شهر قم گردید. وجهه سیاسی امام (ره) برای اولین بار در جریان لایحه‌ی انجمن‌های ایالتی بر وی مکشوف شد و آغاز این آشنایی مصادف شد با دستگیری کوتاه در ۱۳۴۲، با این حال اولین بارقه‌های اسلام‌گرایی خود را مدیون نواب صفوی می‌داند. برای بار دوم در همان سال به علت سخنرانی در جنوب کشور و سومین بار در جریان اعتراض به آیین‌نامه جدید وزارت فرهنگ در سال ۴۶، دستگیر گردید. پس از تأسیس حسینیه ارشاد، مثل بسیاری از علما و به دعوت مطهری در سال ۴۸ در آن محفل حضور یافت. وی که پیش از اعزام شریعتی به فرانسه او را می‌شناخت (ویسی، ۱۳۹۱) در این حسینیه ارتباط بیشتری یافتند. بعدها آیت‌الله خامنه‌ای در مصاحبه با روزنامه اطلاعات (۱۳۶۱/۲/۸) گفت: «من خودم را شاگرد آقای مطهری می‌دانم... من پیش ایشان درس نخوانده بودم؛ اما یکی از عناصری که بنیه اصلی فکر اسلامی من را پایه‌گذاری کرده، سخنرانی‌های مطهری است».

چهارمین بازداشت آیت‌الله خامنه‌ای در ۱۳۴۹ و در اعتراض به شهادت آیت‌الله سعیدی و پنجمین بازداشت در راستای اعتراض به جشن ۲۵۰۰ ساله شاهی بود؛ در نهایت در دی ۱۳۵۳ دستگیر و در شهریور ۱۳۵۴ آزاد شد و پس از آن رژیم پهلوی اقدام به تبعید وی به شهرهای مختلف از جمله ایرانشهر و جیرفت می‌نماید. پس از انقلاب از سوی امام (ره) برای عضویت در شورای انقلاب اسلامی منصوب و از اواخر تیر ۱۳۵۸ به عنوان معاونت امور انقلاب وزارت دفاع، و پس از آن همزمان به سرپرستی سپاه و امامت جمعه تهران و متعاقباً به نمایندگی مجلس شورای اسلامی و بعد از شهادت محمدعلی رجایی توسط مردم بعنوان ریاست جمهوری انتخاب می‌گردند؛ گفتنی است پیش از این با توجه به ترورهای زنجیره‌ای دهه شصت، وی نیز مجروح می‌گردد. در پی اختلافات مجلس شورای اسلامی و شورای نگهبان در تصویب لوایح مختلف و تشکیل مجمع تشخیص مصلحت نظام، آیت‌الله خامنه‌ای بعنوان اولین رئیس مجمع تشخیص مصلحت منصوب گردید و از ۱۴ خرداد ۱۳۶۸ نیز به عنوان جانشین حضرت امام (ره) برگزیده شدند. برای درک هویت ملی در نگاه ایشان،

به سخنرانی‌های وی رجوع شد؛ چرا که دسته‌بندی دقیق و محتوایی به تبیین واقعی‌تر موضوع کمک می‌نمود.

### ۱-۶. ابعاد و نشانه‌های هویت ملی در اندیشه آیت الله خامنه‌ای

جایگاه آیت‌الله خامنه‌ای بعنوان رهبر جمهوری اسلامی ایران و همچنین غلبه گفتمان اسلام‌گرا بر دیگر گفتمان‌های عصر بیانگر لزوم و اهمیت تبیین «هویت ملی» در نگاه و حوزه اندیشه ایشان است.

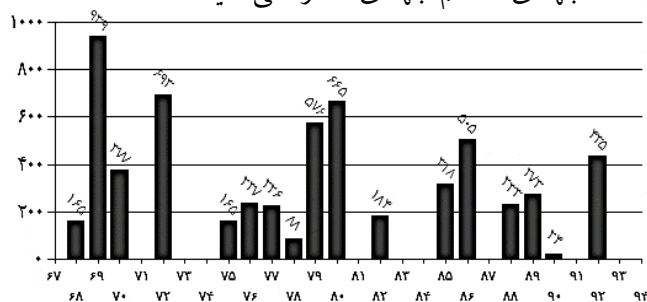
#### الف) فرهنگ، نشانه‌ها و هویت ملی

آیت‌الله خامنه‌ای در مورد فرهنگ بعنوان یکی از عناصر هویت ملی می‌گوید: در حقیقت فرهنگ است که هویت و شاکله معنوی یک ملت را معین می‌کند. طبعاً این فرهنگ، شاخص‌هایی دارد که از روی این شاخص‌ها، یک ملت هویتش را کشف می‌نماید (بیانات، ۱۳۹۰/۳/۲۳)؛ بدین ترتیب با تبیین فرهنگ و پیوند آن با معنویت، «فرهنگ معنوی» را یکی از دال‌های هویت ملی می‌داند (بیانات، ۱۳۷۷/۱۱/۱۳) که بوسیله آن از ملل دیگر متمایز می‌شوند (بیانات، ۱۳۸۳/۰۲/۲۸ و ۱۳۷۵/۰۹/۲۰). در همین راستا به قدرت‌های استکباری و «تئوری‌سازی استعمار» بعنوان «دگر» فرهنگ در هویت ملی اشاره می‌کند (بیانات، ۱۳۷۹/۱۲/۰۹ و ۱۳۸۰/۰۸/۱۲ و ۱۳۸۷/۰۲/۱۶). نگاه آیت‌الله خامنه‌ای به استعمار و تهی شدن فرهنگ یک ملت بسان «الینه شدن» در اندیشه شریعتی، را می‌توان از عناصری دانست که موجبات رشد دال «مبارزه با تهاجم فرهنگی» در گفتمان اسلام‌گرا علی‌الخصوص بعد از انقلاب دانست؛ بهمین منظور ضمن اشاره به تهاجم فرهنگی (بیانات، ۱۳۷۳/۴/۲۴)؛ این دغدغه‌ها را نیز طبیعی دانسته و باور دارد که ما مورد تهاجم هستیم (بیانات، ۱۳۸۱/۱۱/۱۵). وی در برابر این تهاجم، عناصر «استقلال فرهنگی» و «انسان‌فرهنگی» را برجسته می‌کند: «ما باید حرکت کنیم... بسمت استقلال بمعنای حقیقی کلمه - شامل استقلال فرهنگی - باید برویم، بسمت بازیابی حقیقی هویت اسلامی - ایرانی خودمان باید برویم» (بیانات، ۱۳۸۸/۰۶/۱۴).

دین از نشانه‌های هویت ملی در نگاه خامنه‌ای در مقابل ملیت قرار نمی‌گیرد بلکه دین یکی از ارکان اساسی فرهنگ و هویت ملی محسوب می‌گردد (بیانات، ۱۳۸۵/۰۸/۱۸)؛ و

۱. برای تهیه این بخش از پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر حفظ و نشر آثار حضرت آیت‌الله خامنه‌ای استفاده شده

هرعامل و مبلغی که پایه این ایمان را سست کند؛ یعنی با عزت‌ملی، با افتخار ملی و با سعادت ملت به مقابله می‌پردازد (بیانات، ۱۳۷۹/۰۸/۱۱). ایشان جامعه بدون تقوا را بی‌هویت دانسته و تأکید می‌کنند ملت‌ها بر اثر انقطاع از دین دچار ذلت می‌شوند (بیانات، ۱۳۹۱/۳/۳)؛ و بر این باور است: «که ایران اسلامی همان هویت گمشده‌ای است که بایستی این ملت دوباره آن را به دست بیاورد و بر اساس او، آرمان‌های خود را معین و برنامه‌ریزی کند و تلاش و مجاهدت خود را شکل دهد» (بیانات، ۱۳۸۷/۰۲/۱۶). آیت‌الله خامنه‌ای با «دین حداقلی» بعنوان «دگر» گفتمان اسلام‌گرا غیریت‌سازی می‌کند: «دین حداقلی و اکتفای به حداقل‌ها، از نظر اسلام قابل قبول نیست»؛ وی در ادامه ضمن اشاره به آیات قرآن، از اسلام‌سیاسی و عدم انفعال در برابر اسلام‌هراسی دفاع می‌کند (بیانات، ۱۳۹۳/۱۲/۲۱). بر همین محور ضمن تأکید بر عنصر جهاد در اسلام به انواع آن «مدیریت جهادی»، «روحیه جهادی»، «فرهنگ جهادی»، «علم جهادی» اشاره می‌نماید:



نمودار (۱) تبیین کلید واژه جهادفرهنگی

آیت‌الله خامنه‌ای تضاد با ازجاشدگی «انقلاب» را تضاد با عنصر «دین» می‌داند: «امروز کسی نمی‌تواند بگوید من متدین هستم، اما در تضاد با انقلابی باشد که براساس دین است» (بیانات، ۱۳۷۲/۹/۲۴)؛ بدین ترتیب وی دنیای امروز را آماده «حرکت» امت اسلامی جهت تحقق اخلاق، معنویت و روح‌دینی می‌داند (بیانات، ۸۶/۱/۱۷).

زبان بعنوان یکی دیگر از نشانه‌های هویت ملی در نگاه آیت‌الله خامنه‌ای حامل فرهنگ است بهمین منظور (بیانات، ۹۲/۰۲/۱۹) وی بر عنصر پالایش زبان تأکید دارد اما در این میان برای عربی استثنا قائل است؛ ایشان ضمن برشمردن وجوه اهمیت زبان فارسی در تاریخ ایران و اسلام، از بکار بردن زبان فارسی بصورت انگلیسی یا آنچه در عامه با «فینگلیش» مصطلح شده ابراز تأسف می‌کند و با اشاره به جغرافیای زبان فارسی در هند معتقد است که



زبان استعمار بعنوان «دگر» فرهنگی جایگزین زبان فارسی شد؛ «این می‌شود فرهنگ مهاجم» (بیانات، ۹۱/۰۷/۲۳).

### ب) سیاست، نشانه‌ها و هویت ملی

هدف اصلی این گفتمان استقرار حاکمیت الهی است و مفهوم امت و مرز ایدئولوژیک مهم‌ترین «نشانه» تمایز گفتمان اسلامی از سایر گفتمان‌ها می‌شود. آیت‌الله خامنه‌ای در سخنرانی‌های مختلف ضمن یادآوری سخنانی از سیدقطب بر تشکیل «حکومت اسلامی» بعنوان حداقل کار مسلمانان تأکید داشته و معتقد است که نظام جمهوری اسلامی از هزاران کتاب پیرامون تشکیل حکومت مؤثرتر است (بیانات، ۱۳۸۸/۲/۲۳). وی فقه اسلام را مقررات اداره زندگی مردم معرفی کرده و بسان امام (ره) حکومت را فلسفه عملی فقه می‌داند (مشکانی، ۱۳۹۰: ۵۵) و معتقد است ولایت عینیت توحید در جامعه است و بر این موضوع اصرار دارند که «هر ولایتی به جز ولایت خدا و جانشینان او را ولایت شیطان و طاغوت» است (حسینیان، ۱۳۸۳).

گفتمان اسلام‌گرا در ایران با گزینش حکومت «ولایت فقیه» مرز بین «خود» و «دگر» را مشخص نمودند. در همین راستا آیت‌الله خامنه‌ای ضمن آگاهی به تفاوت میان سکولاریسم و بی‌دینی معتقد است که دشمنان ولایت فقیه «از اسلام می‌ترسند؛ کدام اسلام؟ اسلامی که دارای قدرت است، دارای نظامات است، دارای سیاست است، دارای حکومت است» (بیانات، ۱۳۹۵/۵/۲). این گفتمان به مثابه پیش از انقلاب اسلامی و در ادامه همان روند، حتی سکولاریسمی که با دین مخالف نیست را به حاشیه می‌راند و خواهان اسلامی است که «اسلام سیاسی است، اسلام مجاهد است» (بیانات، ۱۳۹۲/۰۸/۲۰)؛ بدین ترتیب ضمن تأکید بر ارتباط عمیق دین ایدئولوژیک و هویت ملی، می‌گوید آن رژیم دعوی ملیت داشت؛ چون ایدئولوژی نداشتند؛ ناچار بودند، ملیت را دنبال کنند، لکن آن ملیت به معنای واقعی هویت ملی نبود (بیانات، ۱۳۸۶/۵/۳).

از منظر آیت‌الله خامنه‌ای، امریکا یکی از عوامل مشکلات در منطقه است (بیانات، ۱۳۹۵/۰۵/۱۱) و دشمنی امریکا با انقلاب توهم توطئه نیست (بیانات، ۹۵/۳/۱۴)؛ بی‌اعتمادی به امریکا مسئله‌ای است که ایشان آن را در بیانات خود بارها تکرار کرده و باور دارد امریکا دشمن است (بیانات، ۱۳۹۴/۱۱/۲۸). بدین ترتیب «غیریت‌سازی با غرب، علی‌الخصوص امریکا»، بعنوان یکی از «دگر»‌های برجسته در گفتمان ایشان تثبیت می‌شود. وجوه دیگر حکومت مثل آزادی و تحزب با عنایت به حوزه گفتمان‌نگی گفتمان اسلام‌گرا با «اسلام»

مفصل‌بندی می‌شود: «مقوله آزادی را اسلامی بدانید» (بیانات، ۱۳۷۷/۰۶/۱۲) و همچنین در مورد تحزب بر نقش اندیشگی تأکید می‌شود (بیانات، ۱۳۷۷/۱۲/۴) و «دگر» حزب علاوه بر وابستگی به غرب، هم اندیشگی برای رسیدن به «قدرت» تلقی می‌شود (بیانات، ۱۳۷۷/۲/۲۲).

### ج) اجتماع، نشانه‌ها و هویت ملی

در گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای، «خودفراموشی» امری خطرناک است که وجود آن در یک کشور، به ذلت مردم می‌انجامد (بیانات، ۱۳۸۰/۹/۲۱)؛ بهمین منظور ایشان تاریخ را مسئله مهمی می‌دانند: «تاریخ را بعنوان یک چیز کوچک یا حاشیه‌ای نباید خیال کرد؛ تاریخ واقعاً مهم است» (بیانات، ۱۳۷۰/۱۱/۸). اما توجه به عنصر تاریخ در اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای بسان تاریخ در قرآن بیشتر معطوف به «عبرت گرفتن از تاریخ» می‌باشد (بیانات، ۱۳۷۸/۵/۸). از دیگر عناصر اجتماع در هویت ملی مفهوم سرزمین است که در گفتمان اسلام‌گرایی، تأکید بر امت اسلامی است؛ اما آیت‌الله خامنه‌ای ضمن قبول اهمیت عنصر سرزمین (بیانات، ۱۳۹۰/۳/۲۳؛ ۱۳۶۸/۰۷/۰۵)، بر آن است که امت واحدی بزرگتر می‌باشد که بر اساس آرمان‌های مشترک دنیای اسلام شکل می‌گیرد (بیانات، ۱۳۸۶/۰۹/۱۴). در همین راستا وی با اشاره به آیه ۱۰۳ سوره آل‌عمران، تأکید می‌کند که جهان اسلام باید اختلافات را کنار گذاشته و با تکیه بر نقاط مشترک، وحدت را تأمین کنند. البته از نظر ایشان وجود نقاط اختلاف طبیعی است اما وحدت با وجود همین اختلاف‌ها معنا می‌یابد (بیانات، ۱۳۶۸/۰۷/۲۸؛ ۱۳۶۹/۰۷/۱۶). عنصر و دال «امت واحد اسلامی» آنقدر در گفتمان آیت‌الله خامنه‌ای شفاف است که ایشان بر مسئولیت تاریخی ایران نیز در این امت تأکید می‌کند (بیانات، ۱۳۸۹/۲/۱۵ و ۸۶/۱/۱۷). ایشان نوعی خاص از ملیت را محترم می‌دانند و براساس گرایش‌های منفی و مثبت در بحث ملی‌گرایی، دو نوع ناسیونالیسم را مطرح می‌کنند: ناسیونالیسم منفی و مثبت (افتخاری و همکاران، ۱۳۹۳: ۲۳). آیت‌الله خامنه‌ای نژاد را ملاک هویت نمی‌داند و معتقد است که اختلافات قومیتی و ناسیونالیستی بکلی با دیدگاه اسلام منافات دارد (بیانات، ۱۳۸۸/۰۲/۲۲).

### ۲-۶. الگوی هویت ملی خامنه‌ای در حوزه گفتمانگی اسلام‌گرا

هویت، فرآیند بازشناسی «خود» است (هارپر، ۲۰۰۶: ۱) و اساساً مقوله‌ای چند وجهی است و آنچه مهم است تمایز بین «خود» و «دگری» است. گفتمان اسلام‌گرا به‌رغم از سرگذراندن از جاشدگی انقلاب اسلامی شاهد تغییرات زیادی در مفاهیم خود نبوده است؛

در همین راستا هر جا سخن از «خود» می‌شود بی‌گمان مفصل‌بندی آن با اسلام ایدئولوژیک و انقلابی مدنظر است و هر گاه سخن از دگری می‌شود سخن از تهاجم غرب و عدم تعهد به انقلاب است. آیت‌الله خامنه‌ای شرط موفقیت و مقابله با «دگر»ی را «تقویت ایمان و آگاهی و نگاه تیزبین به سرانگشتان فعال و خیانتکار دشمن» می‌داند (بیانات، ۱۳۸۱/۰۲/۳۱) و بر آن است که دشمن این گفتمان بیشتر تلاشش را معطوف به بخش فرهنگی هویت ملی نموده است.

جدول (۲) دال‌ها و دگرهای گفتمان هویت ملی آیت‌الله خامنه‌ای		
دال برتر: اسلام سیاسی	زنجیرهم ارزی: امت اسلامی	مفصل‌بندی: انقلاب اسلامی
بخش	دال و عناصر شناور	دگرهای گفتمانی
فرهنگی	فرهنگ اسلامی	فرهنگ غیراسلامی
فرهنگی	استقلال فرهنگی	استعمار فرهنگی
فرهنگی	جهاد فرهنگی / اقتصادی / سیاسی / اخلاقی	تهاجم فرهنگی
فرهنگی	دین حداکثری	دین حداقلی
فرهنگی	زبان حامل فرهنگ	زبان مهاجم
اجتماعی	ناسیونالیسم مثبت	ناسیونالیسم منفی
اجتماعی	آگاهی از خود ایران اسلامی	خود فراموشی
اجتماعی	گسست و انقطاع از هویت دینی	ناسیونالیسم افراطی
اجتماعی	ملت؛ امت واحد اسلامی	ملی‌گرایی افراطی
اجتماعی	عبرت تاریخی	بی‌اعتنایی به تاریخ
سیاسی	ولایت فقیه	ضدولایت فقیه
سیاسی	مردم سالاری اسلامی	حکومت‌های غیردینی / غیرصالح
سیاسی	اسلام سیاسی	سکولاریسم
سیاسی	انقلاب	ضدانقلاب
سیاسی	مرگ بر امریکا	بزک کردن چهره امریکا

دیدگاه لاکلا و موف بیانگر این است که در گفتمان اسلام‌گرا در نظر آیت‌الله خامنه‌ای، درک «اسلام سیاسی» دال مرکزی وی برای فهم هویت ملی است؛ مضمون امت‌اسلامی در

همه عرصه‌ها با مفهوم هویت ملی بعنوان زنجیر هم‌ارزی بهره‌برداری شده است؛ هر چند بعد از انقلاب تأکید بر رئیس جمهور شیعه‌ای را می‌توان تأکید از هویت جمعی به هویت ملی دانست اما همچنان آیت‌الله خامنه‌ای با عنصر «امت اسلامی» به مفصل‌بندی همه دال‌ها در گفتمان خود اقدام می‌نماید. پس از استقرار خبرگان رهبری با محوریت روحانیت و پس از آن تدوین ولایت مطلقه فقیه، بخش از غیریت‌سازی با نشانه‌ی «ولایت فقیه» صورت می‌پذیرد و بر مفصل‌بندی هویت با انقلاب اسلامی تأکید دارد.

## ۷- نتیجه‌گیری

دورکیم (Emil Durkheim) در قواعد روش جامعه‌شناسی، روش تطبیقی را نه شاخه‌ای از روش بلکه خود جامعه‌شناسی معرفی کرده است و اسملسر (Smelser) توصیف را نیز متضمن مقایسه می‌داند (اسملسر، ۲۰۰۳: ۶۴۴). مک‌کی (Mackie) و مارش (Marsh) (۱۳۷۸: ۲۸۲) به دو علت تحلیل تطبیقی را ضروری می‌دانند اول برای اجتناب از قوم‌مداری؛ دوم، برای آزمون و شکل‌دهی مجدد نظریه‌ها و فرضیه‌ها. مقایسه، قدرت توصیف متن و آگاهی محقق را افزایش می‌دهد و او را از قوم‌مداری دور می‌سازد (غفاری، ۱۳۸۸).

در همین راستا عناصر گفتمان هویتی هر یک از اندیشمندان قبل و بعد از انقلاب را در یک جدول تلفیق می‌کنیم و سپس با روش تطبیقی که پریداست یکی از اصلی‌ترین روش‌ها در حوزه علوم اجتماعی و جامعه‌شناسی است باهم مقایسه خواهیم نمود تا به نمودار شماتیک تلفیقی-تطبیقی مطهری و خامنه‌ای دست یابیم. در مقایسه دال برتر گفتمان علامه مطهری و آیت‌الله خامنه‌ای، به مشابهت‌های زیادی خواهیم رسید چراکه هر دو بر امت، هویت اسلامی، ولایت فقیه تأکید دارند؛ در همین راستا ما دال برتر در گفتمان هویت ملی این دو اندیشمند را «امت اسلامی» برگزیدیم.

در بخش فرهنگی گفتمان هویت ملی این دو اندیشمند شاهد توجه به استقلال فرهنگی در برابر استعمار فرهنگی هستیم و این اصطلاح برای هر دو نه تنها آشنا بلکه بر آن تأکید داشته‌اند. اگر مطهری سخن از هویت اسلامی می‌کند و با تهی شدن فرهنگ انسانی از میراث اسلام ناب سخن به میان می‌آورد خامنه‌ای هم فرهنگ خالی شده از دین را تهی می‌داند و هر دو نگران اسلام مغفول مانده در انسانی هستند که میراث‌دار هویت فرهنگ اسلامی است. نکته قابل تأمل در گفتمان دو اندیشمند توجه به دین با تمامی قامت در فرهنگ، اجتماع و سیاست و بکارگیری عناصر آن بصورت ایدئولوژیک است. به هر تقدیر عامل سیاسی پس

از مطهری در گفتمان اسلام گرا به معنای فعلی «دین ایدئولوژیک» در تمامی زمان‌ها معتقد است.

در بخش اجتماعی گفتمان هویتی، دو اندیشمند بر امت‌واحد اسلامی تأکید داشته و عنصر اندیشگی و اسلامی را بیش از عنصر خاک مهم دانسته‌اند بدین ترتیب امت ضمن مفصل‌بندی با اسلام سیاسی، با وطن پرستی غیریت‌سازی می‌نماید. در مقایسه دگرهای اجتماعی گفتمان هویتی آیت‌الله خامنه‌ای و مطهری شاهد غیریت‌سازی با دگر «باستان‌گرایی» هستیم اما با این تفاوت که مطهری این تمدن ایرانی را پیوستگی کلیه نسل‌ها در پناه روح فرهنگ اسلامی می‌داند ولی آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر ناسیونالیسم مثبت بر بالندگی اسلامی می‌پردازد.

با عنایت به هژمونی گفتمان اسلام گرا، می‌توان دال اثرگذار تلفیقی-تطبیقی را همان «هویت اسلامی-ایرانی» فهم نمود؛ هر چند مطهری تنها بر وجه اسلامی تأکید داشت اما این تأکیدات در حوزه گفتمانی خامنه‌ای در گذر زمان کمی تغییر نمود. لاکلا و موف دال‌هایی که درون یک گفتمان معنای موقتی دارند را لحظه می‌نامند؛ هر چند از این لحظه‌ها در گفتمان‌های مختلف زیاد بوده است اما با مقایسه عناصر موجود در گفتمان مطهری و آیت‌الله خامنه‌ای در خواهیم یافت که کمترین «وقته یا لحظه» در حوزه گفتمانی این دو عامل سیاسی در گفتمان اسلام گرا وجود داشته است. با نگاهی به تعریف عبرت تاریخی و دگرسازی با اتفاقات ملل اسلامی در خواهیم یافت که این اندیشه نیز شباهت بسیاری با حوزه گفتمانی مطهری دارد.

در بخش سیاسی گفتمان هویتی این دو اندیشمند با تأکید بر عنصر انقلاب، حزب اندیشی، ولایت فقیه و... مواجه می‌شویم. هر دو حزب را با اسلام مفصل‌بندی نموده و هر دو آن را با حزب شیطان غیریت‌سازی می‌کند. پیرامون شکل حکومت هر دو بر وجه دینی و اسلامی آن تأکید داشته و بر آن هستند که دموکراسی غربی نمی‌تواند ایده‌آل حکومتی در ایران را تأمین نماید و در مورد سکولاریسم، هر دو بر این موضوع که آن نوع حکومت مختص جامعه‌ای است که سکولاریسم در آن متولد شده است. هر دو اندیشمند در گفتمان خود به آزادی معنوی اشاره نموده و با اختناق غیریت‌سازی می‌کنند.

جدول (۳) دال‌ها و دگرهای گفتمان هویتی تلفیقی مطهری و آیت‌الله خامنه‌ای		
مفصل‌بندی: همبستگی اسلامی	زنجیر هم ارزی: اسلام سیاسی	دال برتر: امت اسلامی
دگرهای گفتمانی	دال و عناصر شناور	بخش
انسان بی‌هویت/ فرهنگ تهی از دین	آزادی معنوی / تزکیه فرهنگی	فرهنگی
تهاجم فرهنگی	جهاد فرهنگی / اقتصادی / سیاسی / اخلاقی	فرهنگی
انحلال در فرهنگ استعماری	استقلال فرهنگی	فرهنگی
زبان مهاجم	زبان فرهنگی	فرهنگی
ملیت‌گرایی	ملت، امت واحد اسلامی	اجتماعی
گسست تاریخی و اجتماعی اسلام	تداوم و پیوستگی نسل‌ها	اجتماعی
بیگانه شدن با گذشته تاریخی، معنوی	توجه به میراث تاریخی، فکری، معنوی	اجتماعی
ناسیونالیسم افراطی	گسست و انقطاع از هویت دینی	اجتماعی
هویت باستان‌گرا	هویت ایرانی-اسلامی	اجتماعی
فراموشی تاریخ اسلامی	باور تاریخ پرافتخار گذشته	اجتماعی
سکولاریسم	اسلام سیاسی/اسلام اجتماعی	سیاسی
انقلاب غیردینی	انقلاب روحی	سیاسی
سکولاریسم	ولایت فقیه	سیاسی
حزب شیطان	حزب اندیشگی (حزب دینی)	سیاسی

## منابع و مأخذ:

- ۱۳۹۲)، «جریان‌شناسی سیاسی به مثابه روش»، فصلنامه **مطالعات میان رشته‌ای در علوم انسانی**، دوره پنجم، شماره ۲، بهار، صص ۹۰-۶۱.
- دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۸۵)، **لغت‌نامه** (فرهنگ متوسط دهخدا)، تهران، دانشگاه تهران.
- دوانی، علی (۱۳۹۰)، **خطرات من از استاد شهید مطهری**، تهران، صدرا.
- رواسانی، شاپور (۱۳۸۰)، **زمینه‌های اجتماعی هویت‌ملی**، تهران، مرکز بازشناسی اسلام و ایران (باز).
- روحانی، سیدحمید (۱۳۸۱)، **نهضت امام خمینی**، جلد اول، چاپ پانزدهم، موسسه چاپ و نشر عروج.
- زندگینامه: مرتضی مطهری (۱۳۸۷)**، همشهری آنلاین، تاریخ مراجعه ۱۳/۲/۱۳۹۶، قابل دسترسی در <http://hamshahrionline.ir/details/58980>
- زندگینامه تفصیلی استاد شهید مرتضی مطهری (۱۳۹۱)**، بنیاد علمی و فرهنگی استاد شهید مرتضی مطهری، تاریخ مراجعه ۱۳/۲/۱۳۹۶، قابل دسترسی در <http://www.motahari.ir/content/943>
- ستوده، امیررضا؛ سیدناصری، حمیدرضا (۱۳۸۸)، **پاره‌ای از خورشید**، تهران، موسسه نشر و تحقیقات ذکر.
- سیدقطب (۱۳۷۸)، **نشانه‌های راه**، ترجمه محمود محمودی، تهران، نشر احسان.
- شفیعی‌فر، محمد (۱۳۷۸)، **درآمدی بر مبانی فکری انقلاب اسلامی**، قم، نهاد نمایندگی مقام معظم رهبری در دانشگاهها.
- عضدانلو، حمید (۱۳۸۰)، **گفتمان و جامعه**، تهران، نشر نی.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۸۸)، «منطق پژوهش تطبیقی»، **مجله مطالعات اجتماعی ایران**، زمستان، دوره ۳، ش ۴.
- فرامرزرکامی، احد (۱۳۸۰)، **روش‌شناسی مطالعات دینی**، مشهد، دانشگاه علوم اسلامی رضوی.
- فکوهی، ناصر (۱۳۸۰)، **زن ایرانی هویتی تعریف نشده**، جامعه و فرهنگ، جلد چهارم.
- قربانی، قدرت‌الله (۱۳۸۳)، **هویت‌ملی از دیدگاه استاد مطهری**، فصلنامه **مطالعات ملی**، ۱۸، سال پنجم، شماره ۲، صص ۶۴-۸۶.
- کاستلز، امانوئل (۱۳۸۴)، **گفتگو با مانوئل کاستلز**، ترجمه حسن چاوشیان و لیلا جو افشانی، تهران، نشر نی.
- کجویان، حسین (۱۳۸۴)، **تطورات گفتمان‌های هویتی ایران**، تهران، نشر نی.
- گل محمدی، احمد (۱۳۸۰)، «جهانی شدن و بحران هویت»، **فصلنامه مطالعات ملی**، سال دوم، ش ۱۰، صص ۱۱-۴۸.
- مارش، دیوید؛ استوکر، جری (۱۳۷۸)، **روش و نظریه در علوم سیاسی**، ترجمه امیرمحمد حاجی یوسفی، چاپ دوم، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- احمدی، بابک (۱۳۸۸)، **مدرنیته و اندیشه انتقادی**، تهران، نشر مرکز.
- احمدی، حمید، (۱۳۹۹)، **بنیادهای هویت ملی ایرانی** (چارچوب نظری هویت ملی شهروند محور)، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، چاپ دوم.
- اسپوزیتو، جان لی؛ جان اوول (۲۰۰۳)، «اسلام و غرب؛ صدای گفتگوی مسلمانان»، **دین و روابط بین‌الملل**، ترجمه عسگر قهرمان پوربناب، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی، چاپ دوم، ۱۹-۶۸.
- افتخاری، اصغر؛ اسدی، علیرضا؛ زهت، ابراهیم (۱۳۹۳)، «ناسیونالیسم و هویت ملی در اندیشه حضرت آیت الله خامنه‌ای»، **پژوهشنامه انقلاب اسلامی**، سال سوم، شماره ۱۱، تابستان، صفحات ۱۹-۴۳.
- پناهی، محمدحسین؛ امینی، سعیده (۱۳۹۲)، «تحول گفتمان مجمع روحانیون مبارز»، **مجله مطالعات اجتماعی ایران**، دوره هفتم، شماره ۲، تابستان، ص ۲۸-۵۸.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳)، **گفتمان، یادگفتمان و سیاست**، تهران، موسسه تحقیقات و توسعه علوم انسانی.
- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۴)، **روایت غیریت و هویت در میان ایرانیان**، تهران، ناشر فرهنگ گفتمان.
- جلایی‌پور، حمیدرضا (۱۳۹۲)، **جامعه‌شناسی ایران**، جامعه کژمدرن، تهران، علم.
- جمشیدی، مهدی (۱۳۹۳)، **معنا و مفهوم فرهنگ از منظر استاد مطهری**، بنیاد علمی و فرهنگی استاد شهید مطهری، تاریخ مراجعه ۱۴/۲/۱۳۹۶، قابل دسترسی در <http://www.motahari.ir/fa/content/672#>
- حاجیبانی، ابراهیم (۱۳۷۹)، «تحلیل جامعه‌شناختی هویت ملی در ایران و طرح چند فرضیه»، **فصلنامه مطالعات ملی**، سال ۱۰، ش ۵.
- حسینیان، روح‌الله (۱۳۸۳)، **۱۴ سال رقابت ایدئولوژیک شیعه در ایران**، تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- حسینی‌زاده، محمد علی (۱۳۸۶)، **اسلام‌سیاسی در ایران**، قم، دانشگاه مفید.
- خالق‌پناه، کمال و حبیبی، فواد (۱۳۹۳)، «نظریه گفتمان به مثابه روش‌شناسی مطالعات فرهنگی»، **درآمدی بر روش‌شناسی مطالعات فرهنگی**، حسین میرزایی، تهران، پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- خرمشاد، محمدباقر؛ سرپرست سادات، سیدابراهیم (۱۳۸۹)، «روشنفکر ایرانی و هویت در آینه بحران»، **فصلنامه تحقیقات فرهنگی**، دوره سوم، شماره ۲، تابستان، صص ۶۰-۲۷.
- خرمشاد، محمدباقر؛ سرپرست سادات، سیدابراهیم

- مسکوب، شاهرخ (۱۳۷۹)، **هویت ایرانی و زبان فارسی**، تهران، نشر فرزانه روز، چاپ نخست.
- مشکانی، عباسعلی؛ مشکانی، عبدالحسین (۱۳۹۰)، «پارادایم فقه حکومتی با محوریت دیدگاه‌های آیت‌الله العظمی خامنه‌ای»، **معرفت**، سال بیستم، شماره ۱۶۸، آذر، ۷۵-۵۳.
- مطهری، مرتضی (۱۳۵۷)، **خدمات متقابل اسلام و ایران**، بنیاد علمی و فرهنگی استاد شهید مطهری، تاریخ مراجعه ۱۳۹۶/۰۲/۱۶، قابل دسترسی در <http://motahari.ir/fa/content/185>.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۷)، **آشنایی با قرآن**، جلد ۷، بنیاد علمی و فرهنگی استاد شهید مطهری، تاریخ مراجعه ۱۳۹۶/۰۲/۱۴، قابل دسترسی در <http://motahari.ir/fa/content/185>.
- مطهری، مرتضی (۱۳۷۸)، **آشنایی با قرآن**، جلد ۸، بنیاد علمی و فرهنگی استاد شهید مطهری، تاریخ مراجعه ۱۳۹۶/۰۲/۱۴، قابل دسترسی در <http://motahari.ir/fa/content/185>.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۰)، **آشنایی با قرآن**، جلد ۹، بنیاد علمی و فرهنگی استاد شهید مطهری، تاریخ مراجعه ۱۳۹۶/۰۲/۱۴، قابل دسترسی در <http://motahari.ir/fa/content/185>.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۱)، **اسلام و نیازهای زمان**، جلد ۱، چاپ نوزدهم، بنیاد علمی و فرهنگی استاد شهید مطهری، تاریخ مراجعه ۱۳۹۶/۰۲/۱۴، قابل دسترسی در <http://motahari.ir/fa/content/185>.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۲)، **تعلیم و تربیت در اسلام**، بنیاد علمی و فرهنگی استاد شهید مطهری، تاریخ مراجعه ۱۳۹۶/۰۲/۱۶، قابل دسترسی در <http://motahari.ir/fa/content/185>.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۵ الف)، **آینده انقلاب اسلامی ایران**، بنیاد علمی و فرهنگی استاد شهید مطهری، تاریخ مراجعه ۱۳۹۶/۰۲/۱۴، قابل دسترسی در <http://motahari.ir/fa/content/185>.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۵ ب)، **انسان و ایمان**، بنیاد علمی و فرهنگی استاد شهید مطهری، تاریخ مراجعه ۱۳۹۶/۰۲/۱۴، قابل دسترسی در <http://motahari.ir/fa/content/185>.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۷ الف)، **آزادی معنوی**، بنیاد علمی و فرهنگی استاد شهید مطهری، چاپ چهارم، تاریخ مراجعه ۱۳۹۶/۰۲/۱۴، قابل دسترسی در <http://motahari.ir/fa/content/185>.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۷ ب)، **آشنایی با قرآن**، جلد ۶، چاپ یازدهم، بنیاد علمی و فرهنگی استاد شهید مطهری، چاپ چهارم، تاریخ مراجعه ۱۳۹۶/۰۲/۱۴، قابل دسترسی در <http://motahari.ir/fa/content/185>.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹)، **آشنایی با قرآن**، جلد ۱۴، بنیاد علمی و فرهنگی استاد شهید مطهری، تاریخ مراجعه ۱۳۹۶/۰۲/۱۴، قابل دسترسی در <http://motahari.ir/fa/content/185>.
- مک دائل، دایان (۱۳۸۰)، **مقدمه‌ای بر نظریه‌های گفتنمان**، مترجم: حسین علی نوزدی، تهران، فرهنگ گفتنمان، چاپ اول.
- معین، محمد (۱۳۸۶)، **فرهنگ فارسی**، ویراستار امیر کاووس بالزاده، چاپ چهارم، تهران، ساحل.
- منوچهری و همکاران (۱۳۸۷)، **رهیافت و روش در علوم سیاسی**، تهران، سمت.
- مهیمنی، محمدعلی (۱۳۷۹)، **گفت و گوی تمدن‌ها**، تهران، ثالث.
- واثقی، محمدحسین (۱۳۹۱)، **مصلح بیدار**، تهران، صدرا.
- ویسی، امیر (۱۳۹۱)، «زندگی‌نامه آیت‌الله خامنه‌ای در حلقه علی شریعتی، بخش هفتم»، قابل دسترسی در **سایت رادیو فردا**، تاریخ مراجعه ۱۳۹۵/۰۷/۲۳.
- هرمیداس باوند، داود (۱۳۷۷)، «چالش‌های برون مرزی و هویت ایرانی در طول تاریخ»، **اطلاعات سیاسی و اقتصادی**، شماره ۱۲۹ و ۱۳۰، صص ۲۰-۳۱.
- سیدقطب، ۱۹۸۳، **معالم فی الطريق**، القاهرة، دارالشروق.
- Cambridge advanced Lerner, s **dictionary** (1980).
- Capoccia, Giovanni (2000). "Anti System Parties: A conceptual Reassessment", **Journal of Theoretical Politics**, 14(1): 9-35.
- Hantrais, Linda (2009). "International Comparative Research", **New York: Palgrave**.
- Harper, J (2006). **Identity Crisis: How Identification is Overused and Misunderstood?** CATO INSTITUTE: Washington D.C.
- Smelser, Neil. J. (2003). **On Comparative Analysis, Interdisciplinarity and Internationalization in Sociology**, **International Sociology**, 18(4): 643-657
- <http://www.khemenei.ir>
- <http://www.motahari.org>
- <http://hamshahrionline.ir>